



A Comparative Research on the Role of the Child's Interest in the Discharge of Child Adoption in the Iranian-British Legal System

Fatemeh sadat Hosseini Ebrahimabadi¹

Hoori Poorrahim Marani²

DOI:

10.30497/FLJ.2024.245008.1940



Abstract

In any community, children need to the protection, particularly when they are left without guardians or be abused with the poorly supervised. One of the supporting institutions is the adoption of children, entitled persons to adopt them. Child adoption at the level of formation and discharge has requirements and both levels are conducted considering the interests of the child. In this article, the factor of the child's interest in the discharge stage of child adoption, which is a quasi-family arrangement, is investigated. Child adoption is not the same in Iran and the United Kingdom and is different in the discharge stage. Hence, we have comparatively examined the discharge of Child Adoption in both legal systems in order to take advantage of foreign law to resolve the existing gaps, including the high interest of the child in the discharge of Child Adoption. In this article, using analytical, descriptive and library methods and based on comparative studies, the materials have been collected. The interest of the child is important both in jurisprudence and in the legal system of Iran but In Iran's legal system, the legislator has counted the cases of discharge of Child Adoption in the law, which makes the expediency to be considered less. This is while the interest of the child is important both in jurisprudence and in the Iranian legal system, but because in the Biritish system rights have not been counted, it is better to be the same in Iran. On the other hand, child adoption in the British legal system is indefeasible, but it is not absolute and in some special circumstances it can be terminated. Therefore, the termination of child adoption in the UK has not been defined and only the interest of the child is considered and any factor that threatens the interests of the child is in the circle of termination of child adoption. In the legal system of Iran, in order to ensure the high interest of the child, situations such as sexual abuse of the child, Illness, inappropriate performance, absence and misbehavior of adopted children, discrimination and injustice and anything that endangers their high interests considering the conditions of the child can be titled as the interest of the child in cases of discharge of adoption in order that the interests of the child are more likely to be preserved.

Keywords: Discharge of adoption, Iran's legal system, English legal system, Child adoption, Interest of the child, children's high interests.

1. (corresponding author) Assistant Professor, Department of Law, Refah University, Tehran, Iran.
hosseini@refah.ac.ir

2. Master's student in family law, Refah University, Tehran, Iran.

hpm74912@gmail.com

مطالعه تطبیقی نقش مصلحت کودک در انحلال فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

فاطمه السادات حسینی ابراهیم آبادی*^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴

حوری پوررحیم مرئی^۲

DOI: 10.30497/FLJ.2024.245008.1940

چکیده

در هر جامعه‌ای کودکان به حمایت نیاز دارند، به‌ویژه اگر بی‌سرپرست یا بدسرپرست باشند. یکی از نهادهای حمایتی، فرزندخواندگی است که به واجدان شرایط امکان می‌دهد تا آن‌ها را به فرزندخواندگی بگیرند. فرزندخواندگی در مرحله ایجاد و انحلال دارای شرایطی است و هر دو مرحله بنابه مصلحت کودک انجام می‌شود. در این مقاله، عنصر مصلحت کودک در مرحله انحلال فرزندخواندگی که نهادی شبه‌خانواده است، بررسی شده است. فرزندخواندگی در ایران و انگلستان متفاوت است و در مرحله انحلال نیز از جهاتی افتراق دارند؛ به‌همین جهت انحلال فرزندخواندگی در هر دو نظام حقوقی به‌صورت تطبیقی ارزیابی شد تا در صورت امکان از مزایای قانون خارجی جهت رفع خلأهای موجود از جمله تأمین مصالح عالی‌ه کودک در انحلال فرزندخواندگی بهره برده شود. در این مقاله گردآوری اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای و مطالعات تطبیقی و روش تحقیق تحلیلی، توصیفی است. مصلحت کودک، هم در فقه و هم در نظام حقوقی ایران مهم است؛ اما قانونگذار موارد انحلال سرپرستی را در قانون احصاء کرده است که این دیدگاه باعث می‌شود مصلحت کمتر در نظر گرفته شود. در مقابل، فرزندخواندگی در نظام حقوقی انگلستان فسخ‌ناپذیر است؛ اما مطلق نیست و در موارد استثنائی قابلیت فسخ وجود دارد. بدین ترتیب انحلال فرزندخواندگی در انگلستان احصاء نشده، و صرفاً مصلحت طفل ملاک اصلی قرار داده شده است؛ بنابراین هر عاملی که منجر به تهدید مصالح کودک شود، در دایره موارد انحلال فرزندخواندگی قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران به‌منظور تأمین مصالح عالی‌ه فرزندخوانده می‌توان مواردی همچون سوءاستفاده جنسی از کودک، بیماری، عملکرد نامناسب، غیبت و سوءرفتار فرزندپذیران، تبعیض و بی‌عدالتی و هر آنچه را که با توجه به شرایط فرزندخوانده، تهدیدکننده مصالح عالی‌ه وی است، زیرعنوان مصلحت کودک در موارد انحلال فرزندخواندگی گنجانده تا مصلحت کودک بیشتر رعایت شود.

کلیدواژه‌ها: انحلال فرزندخواندگی، نظام حقوقی انگلستان، نظام حقوقی ایران، فرزندخواندگی، مصالح عالی‌ه کودک، مصلحت کودک.

مقدمه

در هر جامعه‌ای کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست باید حمایت شوند و تا حد امکان در کانون خانواده که مرکز تولید نسل سالم است، رشد یابند. برای حمایت از کودکانی که از نعمت خانواده محروم‌اند، در نظام‌های حقوقی غربی از جمله انگلستان، «فرزندخواندگی» و در نظام حقوقی ما، «سرپرستی» پذیرفته شده است. فرزندخواندگی آن است که فرزندپذیر، کودکی را که فرزند حقیقی او نیست به فرزندی بپذیرد و به موجب آن یک‌سری وظایف بر عهده او قرار گیرد. به دلیل تفاوت در نظام‌های ارزشی، نهاد مذکور در همه کشورهای قوانین و آثار یکسانی ندارد. همان‌گونه که در شروع فرزندخواندگی، مصالح کودک در نظر گرفته می‌شود، در پایان آن نیز توجه به مصلحت ضروری است. نظام حقوقی ایران در ماده ۲۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۹۲ مواردی را برای انحلال فرزندخواندگی مشخص کرده است که از سبک بیان ماده به نظر می‌رسد این موارد احصائی باشد و این شائبه ایجاد می‌شود که مصادیق دیگر در موارد انحلال فرزندخواندگی نمی‌گنجد؛ درحالی‌که روح قانون و ماهیت فرزندخواندگی، اقتضاء رعایت مصلحت کودک را دارد و ممکن است مصلحت کودک در هر زمان، چیزی را اقتضا کند؛ بنابراین نمی‌توان مصلحت کودک را در قانون احصا کرد، از این رو این قانون باید جنبه تمثیلی داشته باشد و عنصر مصلحت پررنگ شود. در مقابل در نظام حقوقی انگلستان مصلحت کودک خیلی پررنگ رعایت شده است؛ زیرا برای انحلال فرزندخواندگی مصداق تعیین نشده است و احصائی نیست و طبق این عنصر، انحلال به ندرت رخ می‌دهد. نظریه اینکه قانون ما آن‌طور که باید به مصلحت توجه نکرده، درحالی‌که در دیگر نظام‌های حقوقی، از جمله انگلستان، این عنصر خیلی خوب رعایت شده است، به همین جهت این کشور انتخاب کر شدیم. البته به این امر توجه شده است که دو کشور ایران و انگلستان، از لحاظ نظام حقوقی، فرهنگی، ارزشی و مذهب متفاوت هستند. یکی از این وجوه افتراق ابتدای نظام حقوقی ایران بر شرع مقدس است؛ چراکه کشور ما کشوری اسلامی است. البته در جوانی اشتراکاتی دارند. با توجه به اینکه کشور انگلستان به عنصر مصلحت در انحلال فرزندخواندگی اهمیت بسیاری می‌دهد و نظر به ریشه‌هایی که از اهمیت مصلحت کودک در فقه داریم، عنصر مصلحت در نظام حقوقی ما بیشتر اعمال‌پذیر است. به این منظور به بررسی و مقایسه نظام حقوقی انگلستان با نظام حقوقی ایران پرداختیم تا مصلحت کودک را در بستر فقه و فرهنگ اسلامی موجود در جامعه تا جایی که مخالف شرع نباشد، در

حوزه فرزندخواندگی تحلیل کنیم. در نظام حقوقی ما مسئله فسخ سرپرستی و توجه به مصلحت کودک وجود دارد؛ اما شاید مصلحت کودک در ابقاء سرپرستی باشد نه فسخ آن. هدف آن است که گستره مصلحت بیشتر مدنظر قرارگیرد و در بستر فقه اسلامی دامنه موارد انحلال فرزندخواندگی کاهش یا افزایش یابد؛ چراکه ممکن است با انحلال فرزندخواندگی در مواردی همچون عدم تلاش برای ارتباط گیری با کودک یا بیماری قابل تحمل او، حقوق فرزندخوانده به مخاطره بیفتد و برعکس ممکن است ابقاء این نهاد در مواردی همچون سوءاستفاده جنسی از کودک، بیماری، عملکرد نامناسب، غیبت و سوءرفتار فرزندپذیران، تبعیض و بی عدالتی باعث تضییع حقوق فرزندخوانده شود. برای مثال در کشور انگلستان ممکن است از فرزندخوانده، سوءاستفاده جنسی شود و عنصر مصلحت کودک منجر به انحلال فرزندخواندگی شود؛ درحالی که در نظام حقوقی ایران سوءاستفاده جنسی و عنصر مصلحت در موارد انحلال سرپرستی ذکر نشده است، اگرچه ممکن است دادگاه با احراز این مسئله حکم به انحلال سرپرستی کند. بنابراین با لحاظ عنصر مصلحت دست دادگاه در تصمیم گیری جهت مصالح کودکان باز خواهد بود و دادگاه می تواند در موارد مقتضی، درباره ابقا یا انحلال فرزندخواندگی حکم صادر می کند.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت و تأثیر مصلحت کودک در موضوع انحلال فرزندخواندگی و تفاوت در نظام های حقوقی، به تطبیق و مقایسه دو نظام حقوقی ایران و انگلستان پرداختیم. در رابطه با فرزندخواندگی، کتبی مانند *ارزیابی نهاد فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلیس*، (بهرامی، ۱۳۹۷)، *پایان نامه هایی چون فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس* (سلطان نیا، ۱۳۹۵)؛ *احکام و آثار فرزندخواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس* (همانلو، ۱۳۹۳)، *مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان با توجه به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۰ (سعیدی، ۱۳۹۷)* و مقالات متعددی مانند «فرزندخواندگی در پرتو قوانین داخلی و رویه قضایی محاکم انگلستان» (بشیرتاش، جهرمی، و صفایی، ۱۳۹۸)، «تعهدات زوجین سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان» (ارسطویی، ۱۳۹۹ الف) نگارش شده است که تقریباً تمام جوانب آن را بررسی کرده، و به اصل موضوع فرزندخواندگی، شرایط، انواع و آثار آن پرداخته اند؛ اما هیچ یک از آثار مذکور به طور مستقل به بحث انحلال فرزندخواندگی

و نقش مصلحت در آن به‌ویژه به‌صورت تطبیقی نپرداخته‌اند.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

فرزندخواندگی: عبارت است از پذیرفتن کودکی به فرزندی که در واقع فرزند بیولوژیکی فرزندپذیر نیست و رابطه ایجادشده فقط رابطه‌ای حقوقی است (صفائی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۴). سرپرستی عنوانی است که به نوآوری قانونگذار به کار رفته، و درحقیقت استعاره از پذیرفتن کودک یا نوجوان در خانواده (زرگوش‌نسب و باقری، ۱۳۹۸، ص ۶۲) و نوعی از فرزندخواندگی است که در آن ارتباط طفل با خانواده بیولوژیکی‌اش قطع نمی‌شود و قابلیت انحلال دارد و تمام آثار نسب بر آن بار نمی‌شود. در نظام حقوقی انگلستان فرزندخواندگی یعنی روند قانونی که طی آن کودک، فرزند قانونی یک فرد یا زوج می‌شود و روابط قانونی بین کودک و والدین او ممکن است برای همیشه قطع شود. تأثیر فرزندخواندگی این است که والدین خوانده به‌رغم اینکه والدین طبیعی کودک نیستند، مسئولیت کامل قانونی کودک را به‌عنوان پدر و مادر برعهده می‌گیرند.^۱ بدین‌معناکه شخص یا زوجین کودکی را که فرزند حقیقی آن‌ها نیست به فرزندی قبول می‌کنند و طی این فرایند تمام آثار نسب بر این رابطه بار می‌شود و کودک همچون فرزند بیولوژیکی آن‌ها خواهد بود و از تمام حقوق و امتیازات کودک طبیعی برخوردار خواهد شد (Evans, 1934, p 2). به‌طوری که گویی فرزندخوانده، حاصل ازدواج آن‌ها است و تفاوتی با کودک حقیقی نخواهد داشت (ارسطویی، ۱۳۹۹ الف، ص ۱۲۶). فرزندخواندگی به دو نوع ساده و کامل تقسیم می‌شود و وجه افتراق آن‌ها در آن است که در فرزندخواندگی ساده یا سرپرستی‌ویژه، رابطه کودک با خانواده اصلی‌اش قطع نمی‌شود؛ اما در فرزندخواندگی کامل رابطه کودک با خانواده بیولوژیکی‌اش قطع می‌شود (شریعتی‌نسب و صادقی‌مقدم، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

انحلال سرپرستی: به‌معنای پایان رابطه میان سرپرستان و فرزندخوانده است. موارد انحلال در ماده ۲۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست سال ۹۲ تصریح شده است؛ اما موارد انحلال فرزندخواندگی در انگلستان محدود و حول محور مصلحت کودک است.

مصلحت برگرفته از اصلاح و در معنا مقابل تباه‌کردن و در وزن، همچون منفعت است که به عمل مفید برمی‌انگیزاند (احمدوند و آزادمنش، ۱۴۰۲، ص ۳۰۰). در نظام حقوقی ایران

1. <https://uk.practicallaw.thomsonreuters.com>

مفهوم مصلحت ناظر به تأمین سعادت، ارزش‌های انسانی و معنوی و مفهوم منفعت ناظر به امور مادی از جمله آسایش و رفاه کودک است (مقدادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، ص ۵)؛ اما در نظام حقوقی انگلستان میان معانی مصلحت تفکیک قائل نشده‌اند و رعایت تمام حقوق وابسته به کودکان تحت‌عنوان مصالح‌عالیه کودک است. تفکر غربی مصلحت را بر مبنای اصالت انسان و آثار آن و ناظر بر سود در زندگی انسان می‌داند. پس منافع کودک، منافع دنیوی فارغ از اهداف معنوی است (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، ص ۶). منظور ما از مصلحت در این نوشتار، فارغ از تفکیک میان دو اصطلاح مصلحت و منفعت، تمام حقوق کودکان است؛ بنابراین مفهوم مصلحت در ایران اسلامی از تفکر غربی گسترده‌تر است، چراکه واژه مصلحت شامل عدالت، حکمت، عدم‌مفسده و رعایت غبطه کودک می‌شود و همه این مفاهیم را نمایندگی می‌کند (پیرحیاتی و روشن، ۱۴۰۱، ش، ص ۹). از ضوابط شرعی برای قابلیت اعمال بهترین منفعت کودک باید به قطعیت منفعت و عدم‌ضرر رساندن آن به کودک اشاره کرد؛ بدین مفهوم که دلیل قطعی یا حکم عقل بر صحت و اعتبار منفعت وجود داشته باشد و طبق قاعده اهم و مهم، اگر رعایت مصلحت منجر به تحقق ضرری شود که مفسده آن کمتر از مصلحت است، بتوان به آن عمل کرد. براساس قانون مدنی ایران، رویه قضایی هنگامی به رعایت مصلحت کودک جامعه عمل می‌پوشاند که منجر به آسیب جسمی و روحی به کودک نشود و برای رشد و تکامل او ضروری باشد و منجر به رشد و پیشرفت وی شود (میثمی، آقاجانی‌رونقی، و شهبازی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۲-۱۵۳). مصلحت، ملاک صدور احکام حقوق خانواده و کودکان است؛ بدین ترتیب که می‌توان بر حسب مصلحت، احکام را تعیین کرد (رستمی نجف‌آبادی، ۱۴۰۱، ش، ص ۸۰). برای مولی‌علیه باید با مصلحت‌اندیشی تصمیم‌گیری شود؛ بدین مفهوم که متناسب با وضعیت او باشد. مصلحت در حقوق خانواده همان رعایت بهترین منافع است که با مفهوم اصل رعایت منافع عالیة کودک در حقوق کودک برابری می‌کند؛ بدین معنا که صرف عدم‌ضرر و جلوگیری از ضرر و دفع مفسده کفایت نمی‌کند؛ بنابراین برخی فقها صرف عدم‌مفسده را کافی نمی‌دانند، بلکه وجود و جلب مصلحت را نیز اصل می‌دانند که در صورت تعارض بین مصالح نیز مصلحت اقوی، مقدم است. (هاشمی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸) با توجه به اینکه عدم‌وجود ضرر یا به تعبیری دیگر مصلحت‌سلبی نیز در دامنه مصلحت قرار دارد، برخی قضات و فقها صرف عدم‌مفسده را کافی نمی‌دانند و رعایت مصلحت ایجابی را هم لازم می‌دانند (آذری و میراحمدی، ۱۳۹۸، ص ۵-۶). باید گفت مصلحت مدنظر قانونگذار حداکثری

است؛ بدین ترتیب که باید کلیه امور و تصمیمات کودکان با رعایت بالاترین منافع آنها انجام گیرد.

روش‌شناسی

در این مقاله با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، با استفاده از روش مطالعه توصیفی، تحلیلی و انتقادی به گردآوری مطالب از مقالات، پایان‌نامه‌ها، کتب و ترجمه منابع دست اول به زبان انگلیسی پرداخته شده است.

۱. مصالح‌عالیه کودک

در اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک هیچ‌گاه تعریف کاملی درباره مصالح‌عالیه کودک نیامده است؛ اما با توجه به ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد منظور از مصالح‌عالیه کودک آن است که تمام امور (افعال، خدمات، مراقبت) کودکان به‌نحو احسن انجام گیرد (حسینی‌خواه، ۱۳۹۰، ص ۹؛ نوراحمدی و رضوانی‌مفرد، ۱۴۰۱، ش، ص ۱۸۲). مفهوم بهترین مصالح کودک برگرفته از ماده ۳ این کنوانسیون شامل مقرراتی با هدف حمایت از نیازهای کودک در مواردی از جمله امنیت، سلامت، تندرستی، روابط خانوادگی، رشد جسمی و روانی و عاطفی، هویت، آزادی بیان و حریم خصوصی است.^۱

تفسیر مصالح‌عالیه کودک در نظام حقوقی بین‌المللی باید با اصول کلی این کنوانسیون همچون اصل عدم تبعیض، حداکثر بقا و رشد و احترام به عقاید کودک مطابقت داشته باشد. همچنین مصالح‌عالیه کودک باید در تمام سطوح قانونگذاری، خصوصی و اجتماعی به‌صورت اولویت در مقایسه با حقوق دیگران رعایت شود. حقوق کودکان منشأ به رسمیت شناختن اهلیت تمتع و برخورداری از حق است (حسینی‌خواه، ۱۳۹۰، ص ۱۰). مصالح‌عالیه کودک، شامل حق کودک در داشتن رفاه و سلامتی و خانواده و ... است و همه افراد تصمیم‌گیرنده درباره کودک باید این حقوق و مصالح را رعایت کنند. به‌طور کلی می‌توان مصالح‌عالیه کودکان را در چهار بعد امنیت، رفاه، عدالت و تربیت در نظر گرفت (حسینی‌خواه، ۱۳۹۰، ص ۱۰). والدین و سرپرستان نیز ملزم به فراهم‌آوردن این مصالح در دو بعد روانی و جسمانی هستند؛ بنابراین فقط والدین حقیقی ملزم به رعایت مصالح کودک نیستند، بلکه فرزندپذیران نیز مشمول این مقرر هستند (حسینی‌خواه، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

1. <https://ico.org.uk/for-organisations/childrens-code-hub/how-to-use-our-guidance-for-standard-one-best-interests-of-the-child/children-s-code-best-interests-framework/>

اصل «بهترین مصالح کودک» نخستین بار در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ م بیان شد. طبق ماده ۳ کنوانسیون در تمام اقدامات مربوط به کودکان، اعم از اینکه از طریق مؤسسات رفاه اجتماعی دولتی یا خصوصی، دادگاه‌های حقوقی، مقامات اداری یا نهادهای قانونگذاری انجام شود، بهترین مصالح کودک باید در اولویت قرارگیرد. سپس این حکم به موجب قانون کودکان ۱۹۸۹ م، در قوانین بریتانیا گنجانده شد تا هر زمان دادگاه درباره تربیت کودک یا اداره اموال کودک و اعمال هرگونه درآمد ناشی از آن سؤالی داشت، رفاه کودک مهم‌ترین ملاحظات دادگاه شود. هدف این قانون ایجاد توازن در حمایت از کودکان در برابر هرگونه مداخله غیرموجه در زندگی خانوادگی است. تعریف استاندارد برای بهترین مصالح کودک وجود ندارد؛ زیرا افراد شرایط یکسانی ندارند، از این رو هرکدام به صورت مستقل بررسی می‌شوند. مصلحت امری نسبی است که به مقتضای وضعیت کودک در هر دوره‌ای از زندگی او و به تناسب شرایط و وضعیت جوامع، متغیر و در نوسان است و به حسب حال هر کودک ممکن است تغییر یابد (پیرحیاتی و روشن، ۱۴۰۱ ش، ص ۳) و به دلیل ویژگی خاص نظام کامن‌لا، عرف و آراء قضائی در این زمینه به یاری قاضی می‌آیند. خواسته‌ها و احساسات، سن و سطح درک کودک، نیازهای جسمی و آموزشی و عاطفی، جنسیت و پیشینه کودک مواردی است که باید براساس شواهد داده شده به دادگاه، در تصمیم‌گیری درباره اینکه چه اقداماتی به نفع کودک است، بررسی شود.^۱ بنابراین در نظام حقوقی انگلستان اصل «بهترین مصالح کودک» طبق ماده ۳ این کنوانسیون اجرا می‌شود. اصطلاح «در همه اقدامات» شامل تمامی تصمیمات، اعمال، رفتارها، پیشنهادها، خدمات، رویه‌ها و سایر اقدامات از جمله ترک فعل و تقصیر می‌شود. این اصطلاح نشان می‌دهد که در موقعیت‌هایی که راجع به کودکان است، هیچ محدودیتی برای اعمال این اصل وجود ندارد. کلیه اموری که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کودکان تأثیر می‌گذارد، به آن‌ها مربوط می‌شود و باید مصالح‌عالیه را به طور فراگیر در تفسیر همه آن‌ها در نظر گرفت. این اصل سه مفهوم حقوق ماهوی، حقوق اساسی و حقوق تفسیری و رویه‌ای^۲ دارد که در مفهوم حق ماهوی اش دولت‌ها را موظف می‌کند مصالح‌عالیه کودک را رعایت کنند و زمانی که مصالح متفاوتی وجود دارد، آن را ملاحظات اولیه در نظر بگیرند. هر زمان تصمیمی بر کودک تأثیر بگذارد، این حق مستقیماً قابل اعمال است و می‌تواند در

1. <https://www.carlsonssolicitors.com/news/2023/02/09-child-arrangements-in-the-uk-understanding-the-best-interests-of-the-child-standard>

2. https://home-affairs.ec.europa.eu/networks/european-migration-network-emn/emn-asylum-and-migration-glossary/glossary/best-interests-child-bic_en

دادگاه مورد استناد قرار گیرد. در حقیقت این اصل تعهدی ذاتی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند که در عمل نیز باید به همین شکل اعمال شود (Weihrauch, 2021, p 30). این اصل در جایگاه یک اصل حقوقی اساسی و تفسیری، ایجاب می‌کند که «اگر یک ماده قانونی برای بیش از یک تفسیر مفتوح باشد، باید تفسیری انتخاب شود که به بهترین نحو در خدمت مصالح کودک باشد. حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های اختیاری آن، چارچوبی را برای تفسیر فراهم می‌کند».

بهترین مصالح کودک نیازمند تضمین‌های رویه‌ای است و دولت‌ها مسئول هستند ملاحظات صریح بهترین مصالح کودک و نحوه رعایت آن را در هر تصمیمی درباره کودکان اثبات کنند. در ارزیابی بهترین مصلحت کودک باید دیدگاه کودک، هویت، وضعیت آسیب‌پذیری، حق سلامت، حق آموزش، حفظ محیط خانواده و حفظ روابط در نظر گرفته شود. این فهرستی غیر جامع از ملاحظات است؛ زیرا این اصل طبیعتاً انعطاف‌پذیر است و دولت‌ها را ملزم می‌کند ملاحظات لازم را به صورت موردی ارزیابی کنند (Weihrauch, 2021, p 30).

در فقه امامیه بر مصالح‌عالیه کودک تأکید شده است و طبق مقررات اسلامی این‌گونه است که تمام اعمال متصدی امور کودک (ولی یا سرپرست) از جمله تصرف در اموال، ولایت بر تزویج، مراقبت، رفتار احسن و نیکو باید با رعایت مصالح کودک همراه باشد، در غیر این صورت اعمال آنان باطل خواهد شد و آنان از سمتشان عزل خواهند شد. قرآن کریم^۱ به رعایت حقوق متقابل والدین و فرزندان اشاره دارد؛ به نحوی که هیچ‌کدام از طرفین باعث ضرر به دیگری نشود (حسینی‌خواه، ۱۳۹۰، ص ۲-۷). عده‌ای از اندیشمندان اسلامی مصلحت را حفظ اصول پنجگانه دین، نفس، عقل، نسل و مال می‌دانند (مقدادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹-۱۸۰؛ پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، ص ۱۰). همچنین ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ نیز بر مصلحت کودک در تمام تصمیم‌گیری‌ها تأکید کرده است (عابدینی، مشکی باف، ۱۴۰۰، ش، ص ۱۹۷).

تبصره ۲ ماده ۴، ماده ۸ و ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۱۳۹۴ به ترتیب به تأثیر مصلحت کودک بر زندگی

۱. وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَأَلْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره/۲۳۳).

موقت با یابنده طفل، فسخ حکم سرپرستی و نظارت بر وضعیت کودک اشاره دارد بنابراین ما نیز در نظام حقوقی خود، علاوه بر پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک، عنصر مصلحت را داریم. حضانت به مفهوم تربیت و نگهداری از طفل یکی از آثار لاینفک فرزندخواندگی است؛ چراکه با توجه به ماده ۱۱۶۸ ق.م. و با استناد به ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست سال ۹۲، حضانت و نگهداری از طفل را حق و تکلیف ابویین و حق و تکلیف سرپرست را مانند حق و تکلیف والدین حقیقی می‌داند که با صدور حکم سرپرستی این حق به سرپرستان منتقل می‌شود. سرپرستی، متفاوت از حضانت است؛ زیرا حضانت از آثار نهاد سرپرستی است و حضانت صرفاً تربیت و نگهداری فرزند را شامل می‌شود. سرپرستی آثاری همچون حق مستمری، جایگزینی برای ارث و تسری نام خانوادگی به فرزندخوانده دارد (همانلو، ۱۳۹۳، ص ۹۰-۹۱). قانونگذار به دلیل آمره بودن قواعد ارث، راهکارهایی همچون صلح اموال، بیمه عمر، حساب پس‌انداز و وصیت را جایگزین کرده؛ ولی این رویه قضایی و رویه عملی در جامعه است که برای دورزدن مقررات ارث و عادلانه‌تر کردن آن از این ابزارها استفاده می‌کنند. البته استفاده از این ابزارها محل تأمل و اختلاف نظر است؛ زیرا نه تنها میزان و نوع مال مجهول است، بلکه امکان منتفی شدن این راهکارها به وسیله محکمه وجود دارد؛ بنابراین چنین مواد متزلزلی به بهبود شرایط فرزندخوانده کمک زیادی نخواهد کرد (افشار قوچانی، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۴-۱۵). از آنجایی که در نظام حقوقی ایران به تأسی از موازین اسلامی فرزندخواندگی وجود ندارد و به دلیل پرکردن خلأ ناشی از آن نهاد سرپرستی را جایگزین آن کرده‌اند، به مقایسه و وحدت ملاک حضانت و سرپرستی پرداخته شده است تا نقش مصلحت در سرپرستی به وضوح بیان شود. جهت تشخیص مصلحت کودک در موضوع حضانت معیارهایی همچون سن، جنسیت، مراقبت روحی و عاطفی و جسمی، همراهی کودک، نظرهای کودک، حق آموزش و حالات آسیب‌پذیری او همچون معلولیت، پناهنده بودن یا قربانی تجاوزبودن در نظر گرفته شده است که نظام حقوقی ایران در این موارد ضعف قانونی دارد؛ زیرا مدون نیست و رویه قضایی به این مهم پرداخته است (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، ص ۱۲-۲۳). بنابر قول مشهور فقهای امامیه، در رابطه با حضانت مادر را تا ۲ سال در مورد پسر و تا ۷ سال در مورد دختر، بر پدر ارجح می‌داند (صاحب جواهر، ۱۳۷۰، ص ۲۷۳؛ یزدی، ۱۳۷۵، ص ۷۱۵). قانون نیز حضانت کودک اعم از دختر یا پسر را تا هفت سالگی بر عهده مادر و پس از آن بر عهده پدر می‌داند (ماده ۱۱۶۹ ق.م.؛ اما دادگاه تجدیدنظر استان تهران شماره دادنامه

۸۸۸ مورخ ۸۶/۶/۲۶، با توجه به اینکه فرزندان اناث مشرف به بلوغ، نیازمند آموزش‌هایی هستند که پدر از عهده آن بر نمی‌آید و حضانت پدر به مصلحت کودک نیست، حضانت را به مادر واگذار می‌کند (پارساپور و نوربخش، ۱۳۹۴، ص ۱۱).

طبق مطالب مذکور این نکته حاصل می‌شود که در دادگاه‌های ما نیز در صورت خلأ قانونی براساس مصلحت طفل در جهت صدور رأی اقدام می‌کنند؛ بنابراین مصالح‌عالیه باید در تمام زمینه‌های وابسته به کودک در بحث فرزندخواندگی و انحلال آن رعایت شود؛ چراکه انحلال فرزندخواندگی در ارتباط مستقیم با مصلحت کودک است و رعایت آن، مطالعه تطبیقی در این زمینه را ایجاب می‌کند.

۲. موارد انحلال فرزندخواندگی در ایران

سرپرستان درقبال فرزندخوانده دارای تعهداتی هستند؛ از جمله تأمین هزینه‌های فرزندخوانده، حضانت، حسن‌رفتار، انتقال بخشی از اموال، بیمه عمر و حفظ صلاحیت برای سرپرستی. در صورت عدم انجام هر یک از این تعهدات و نقض شرایط مقرر برای سرپرستی، در قانون ضمانت‌اجراهایی نظیر الزام به انجام تعهد، تغییر حکم سرپرستی، جبران خسارت وارد شده به فرزندخوانده، قطع حقوق ناشی از پذیرش فرزندخوانده و فسخ فرزندخواندگی، پیش‌بینی شده است که به تناسب موضوع این نوشتار صرفاً فسخ فرزندخواندگی تصریح شده است. در نظام حقوقی ایران، می‌توان سرپرستی را به دلیل عدم رعایت شرایط مقرر در قانون، عدم انجام تعهدات سرپرستان و نیز شرایط فرزندخوانده منحل کرد. برای سرپرستی دو حکم موقت و قطعی صادر می‌شود که در هر دو حالت با رعایت شرایط، امکان فسخ وجود دارد. به استناد ماده ۱۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۹۲، پس از صدور قرار دادگاه مبنی بر سرپرستی موقت، در صورتی که هر یک از شرایط سرپرستی زوال یابد، این قرار را می‌توان فسخ کرد. فسخ قرار می‌تواند به درخواست دادستان یا سرپرستان یا سازمان بهزیستی باشد. قرار صادر شده از سوی دادگاه درباره برقراری دوره آزمایشی شش‌ماهه و فسخ آن، قابل تجدید نظرخواهی است. از آنجایی که سرپرستی با هدف رشد و تربیت فرزند در محیطی امن ایجاد می‌شود، اگر پس از مدتی صلاحیت اولیه زوجین از بین رود و آن‌ها با کودک بدرفتاری کنند، الزامی برای ادامه سرپرستی وجود ندارد؛ چراکه ادامه این رابطه، نقض غرض است. این حکم درباره واگذاری دائم فرزندخواندگی است؛ اما زوال‌ناپذیر نیست. با وحدت ملاک از ماده ۱۱۷۳ ق.م. با موضوعیت سلب حضانت از والدین، در صورت زوال هر یک از

شرایط مقرر برای سرپرستان، حضانت و سرپرستی به تصمیم دادگاه، فسخ و منحل می‌شود (ارسطویی، ۱۳۹۹ ب، ص ۱۲۸-۱۳۱). قانونگذار موارد انحلال سرپرستی را بر مبنای مصلحت فرزندخوانده، خانواده پذیرنده یا خانواده اصلی فرزندخوانده، در ماده ۲۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب سال ۹۲، احصاء کرده است: (صفایی، امامی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۳)

ماده ۲۵- حکم سرپرستی، پس از اخذ نظر کارشناسی سازمان، در موارد زیر فسخ می‌شود:

الف - هر یک از شرایط مقرر در ماده (۶) این قانون منتفی گردد.

ب - تقاضای سرپرست منحصر یا سرپرستان در صورتی که سوء رفتار کودک یا نوجوان برای هر یک از آنان غیر قابل تحمل باشد.

ج - طفل پس از رشد با سرپرست منحصر یا سرپرستان توافق کند.

د - مشخص شدن پدر یا مادر یا جد پدری کودک یا نوجوان و یا وصی منصوب از سوی ولی قهری در صورتی که صلاحیت لازم برای سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر از سوی دادگاه، دارا باشند.

در ماده مذکور، تمام مواردی که منتج به انحلال سرپرستی و تهدید مصالح عالیۀ کودک می‌شود، احصاء شده است که برخی از آنها درباره سرپرستان و برخی نیز درباره شخص تحت سرپرستی است.

۲-۱. عوامل انحلال مربوط به فرزندخوانده

در این بخش به موارد انحلال فرزندخواندگی در ایران، که مربوط به شخص تحت سرپرستی است، می‌پردازیم.

۱. سوء رفتار کودک یا نوجوان: گاهی ممکن است سرپرستان توانایی برقراری رابطه معنوی با طفل را نداشته باشند و طفل ناسازگاری کند. در این صورت سرپرستان می‌توانند تقاضای فسخ حکم صادر شده را داشته باشند. این مقرر برای حمایت از سرپرستان است و درخواست یکی از زوجین برای فسخ حکم، کفایت می‌کند؛ با اینکه برای شروع سرپرستی توافق آنها لازم است. در این باره مصلحت عالیۀ فرزندخوانده مدنظر قرار نگرفته است و صرفاً به حمایت از سرپرستان توجه شده است. در حالی که نوع رفتار والدین پذیرنده در قبال سوء رفتار فرزندخوانده، می‌تواند مصالح عالیۀ کودک را به مخاطره بیندازد. سوء رفتار کودک می‌تواند شامل

بیماری‌های خاص و ژنتیکی نیز باشد که سرپرستان نتوانند از چنین کودکی نگهداری کنند. هرچه سن فرزندخوانده کمتر باشد، مشکلات این چنینی به‌ویژه مشکلات رفتاری و ارتباط‌گیری با کودک کمتر خواهد بود. برای پیشگیری از انحلال سرپرستی به‌سبب این مشکلات، سرپرستان باید آگاهی خود را درباره بیماری‌ها و چگونگی رفتار با فرزندان بالا ببرند و هم کودک و هم سرپرستان برای ارتباط‌گیری بهتر و بیشتر تحت مشاوره و روان‌شناسی و آموزش قرارگیرند. البته ممکن است همه سوءرفتارها ناشی از بیماری روحی و روانی نباشد و موارد دیگری با درجه اهمیت متفاوت در این مسئله دخیل باشند که در ادامه به آن می‌پردازیم. سوءرفتار کودک می‌تواند به دو صورت بروز کند؛ یک حالت بروز برخی مشکلات رفتاری در سنین بلوغ است که سرپرستان قادر به برقراری ارتباط صحیح در این دوران نیستند و حالت دیگر بروز بیماری‌های خاص یا ژنتیکی در کودک است که منجر به معلولیت شدید ذهنی یا جسمی می‌شود (سعیدی، ۱۳۹۲، ص ۴۸). آن‌طور که از متن فوق استنباط می‌شود حق درخواست انحلال سرپرستی، در صورت بروز بیماری است و در مورد بیماری‌ای که سابقاً وجود داشته تعیین موضع نشده است؛ بنابراین باید دسته‌بندی کلی انجام گیرد تا تکلیف سوءرفتار مشخص شود. بدین ترتیب اگر بیماری‌ای در کودک یا نوجوان وجود دارد که نوعاً کشنده یا واگیردار است، اصلاً از ابتدا اجازه تحت سرپرستی قرار گرفتن او داده نمی‌شود. حالت دیگر اینکه کودک یا نوجوان بیمار باشد و فرزندخواهان بنابر قاعده اقدام او را با شرایط موجود به فرزندخواندگی بپذیرند و حالت دیگر نیز اینکه بیماری بعداً و در دوران سرپرستی عارض شود. در مورد دوم، سرپرستان به وضعیت فرزندخوانده آگاه‌اند و شرایط او را پذیرفته‌اند، بنابراین مسئول تمام هزینه‌ها و درمان او هستند. در مورد سوم نیز بیماری در دوران مسئولیت سرپرستان حادث شده است و در هر حالت باید مسئولیت آن را بپذیرند. در خانواده‌های حقیقی نیز گاهی پدر و مادر به‌دلیل بیماری خاص و حاد کودکشان به تنگ می‌آیند و در شرایط بسیار استثنائی او را برای مراقبت و درمان بهتر به سازمان‌های مربوط واگذار می‌کنند. پس منطقی است در خانواده‌های حکمی نیز سرپرستان به‌دلیل عسروخرج و ناتوانی در مراقبت از کودک، درخواست انحلال سرپرستی را داشته باشند. در این شرایط صرفاً عسروخرج فرزندپذیران است که به انحلال سرپرستی می‌انجامد؛ درحالی‌که باید بنابر عنصر مصلحت کودک، درباره ابقا یا انحلال سرپرستی تصمیم‌گیری شود؛ چراکه ممکن است مصلحت فرزندخوانده در تداوم سرپرستی باشد و فرزندخوانده را در بیمارستان و مراکز مربوط، تحت درمان قرار دهند و همچنین مساعدت‌هایی

به خانواده‌های فرزندپذیر تعلق گیرد، فرزندخوانده صاحب خانواده باقی بماند و آثار فرزندخواندگی همچون حضانت زائل نشود. گاهی ممکن است به دلیل عدم تمکن مالی سرپرستان در برابر هزینه‌های درمان یا انطباق ناپذیری رفتاری طرفین سرپرستی، مصلحت‌عالیه کودک این چنین حکم کند که اگر فرزندخواندگی خاتمه یابد، مصالح کودک بیشتر تأمین می‌شود. بیشتر حقوقدانان و اساتید معتقدند که بیماری جزء سوءرفتار کودک محسوب نمی‌شود؛ چراکه قانونگذار در مقام بیان بوده است و اگر بیماری فرزندخوانده برای انحلال مدنظر بود پس آن را اراده، و در ماده ۲۵ قید می‌کرد؛ بنابراین موارد مصرح در ماده ۲۵ قانون مذکور، احصاء شده است و نباید موارد دیگر را در آن داخل کنند (شریعتی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱). در نقد این نظر می‌توان گفت بهتر است موارد انحلال سرپرستی را به موارد مصرحه در قانون محدود نکنند و ملاک کلی را مصلحت فرزندخوانده و کلیه تصمیمات را حول محور آن قرار دهند؛ چراکه تمام حالت‌ها و شرایط متصور در قانون نمی‌گنجد و باید امکان تفسیر موسع به نفع فرزندخوانده وجود داشته باشد. نقدی که می‌توان به قانون ایران، بالأخص ماده ۲۵ آن وارد آورد، این است که سهولت در انحلال سرپرستی خود موجب مشکلاتی دیگر می‌شود که از نظر روان‌شناسی بر فرزندخوانده و حتی سرپرستان تأثیرات سوء خواهد داشت.

به‌آسانی پایان‌بخشیدن به یک سرپرستی، و اقدام به تشکیل سرپرستی جدید با افراد جدید، خود می‌تواند بسیار مضر و برخلاف مصالح کودک، پذیرندگان و در نهایت جامعه باشد. روابط انسانی به‌ویژه در محیط خانوادگی بسیار عمیق و حائز اهمیت است و گسست و تجدید غیرضروری آن خود مشکلی به مشکلات اجتماعی می‌افزاید. پس عدم قابلیت اجرای یک اثر (مثلاً حضانت) را نباید سبب خاتمه تمامی آثار مترتب بر نهاد حقوقی دانست بلکه باید در هر مورد، خانواده حقیقی را ملاک عمل قرارداد، کمالینکه روند قانونگذاری نیز چنین تمایلی را نشان می‌دهد (شریعتی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵).

۲. مشخص شدن پدر یا مادر یا جدپدری یا وصی منصوب از سوی ولی قهری: در نهاد

سرپرستی با صدور حکم، روابط کودک یا نوجوان با خانواده حقیقی اش قطع نمی‌شود و نسب و هویت سابق باقی می‌ماند و به محض شناسایی والدین یا جدپدری او یا وصی منصوب از جانب ولی قهری، سرپرستی منحل، و شخص تحت سرپرستی به والدین حقیقی بازگردانده می‌شود. حال در صورت فقدان صلاحیت والدین یا جدپدری تکلیف چیست؟ در پاسخ باید گفت همان‌طور که بند (د) ماده ۸ قانون یادشده، یکی از شرایط فرزندخوانده را برای سرپرستی،

فقدان صلاحیت والدین و جدپداری او می‌داند، به‌نحوی که این امر حتی با ضم امین نیز میسر نمی‌شود، پرواضح است مراجعه افراد مذکور پس از حکم سرپرستی نباید به انحلال سرپرستی بینجامد. چنان‌که تبصره ۱ این ماده تصریح کرده است، اگر دادگاه، والدین و جدپداری را واجد صلاحیت حتی با ضم امین، تشخیص دهد، جهت صدور حکم انحلال سرپرستی اقدام خواهد کرد که در نتیجه فرزندخوانده مسترد می‌شود. در این مورد از انحلال فرزندخواندگی مصلحت فرزندخوانده رعایت شده است که دادگاه با در نظر گرفتن مصالح‌عالیه کودک اقدام به صدور حکم انحلال سرپرستی یا ابقا آن می‌کند.

۳. توافق فرزندخوانده با سرپرستان پس از رشد: طبق بند (ج) ماده ۲۵، فرزندخوانده می‌تواند پس از رشد، درباره خاتمه‌دادن به سرپرستی با سرپرستان توافق کند. برای حضانت از فرزند، سن خاصی در قوانین در نظر گرفته نشده است؛ اما با توجه به عرف تازمانی که فرزند توانایی زندگی مستقل نداشته باشد، تحت حضانت قرار می‌گیرد (ارسطویی، ۱۳۹۹ ب، ص ۱۲۳-۱۲۲)؛ بنابراین فرزندخوانده پس از رشد می‌تواند تقاضای فسخ این حکم را داشته باشد که ممکن است پیش از سن ۱۸ سالگی با احراز رشد از طریق دادگاه یا پس از سن ۱۸ سالگی باشد (صفائی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۳). این اختیار و اجازه از آزادی‌های فردی محسوب می‌شود و همراه با اختیار فرزندخوانده، دلایل او و شرایط سرپرستان به وسیله سازمان بهزیستی، برای فسخ حکم بررسی می‌شود. این مورد انحلال نیز به‌منظور رعایت مصالح‌عالیه شخص تحت سرپرستی است؛ چراکه ممکن است دلایل فرزندخوانده موجه و ازجهاتی برای مصالح‌عالیه او باشد. درحقیقت مصلحت‌عالیه فرزندخوانده اقتضا می‌کند تا دلایل او دال بر خاتمه سرپرستی ارزیابی شود. همچنین حساسیت و نگرانی درباره فرد بالغ و رشیدی که خواهان زندگی مستقل است، با نگرانی درباره کودک و نوجوان نابالغ و غیررشید یکسان نیست. در نقد این مورد باید گفت در خانواده نسبی، ولایت با بلوغ و رشد فرزند و رسیدن به سن ۱۸ سالگی، و حضانت با توانایی مستقل شدن خاتمه می‌یابد و دیگر آثار همچون نفقه، نام‌خانوادگی، محرمیت و توارث باقی است؛ اما در خانواده حکمی، بحث ولایت وجود ندارد که با رسیدن به ۱۸ سال خاتمه یابد و برای پایان‌بخشیدن به سرپرستی حتماً به فسخ نیاز است؛ اما اینکه با رسیدن فرزندخوانده به سن رشد، سرپرستی می‌تواند منحل شود، با غایت این نهاد در تعارض است؛ زیرا با انحلال سرپرستی، حضانت و اداره اموال نیز به پایان می‌رسد و نفقه و تسری

نام خانوادگی صرفاً تا تعیین سرپرستان جدید ادامه دارد و تنها منع نکاح است که پس از انحلال نیز تداوم می‌یابد و با جواز و صلاح‌دید دادگاه ممکن است ممنوعیت آن زائل شود.

۲-۲. عوامل انحلال مربوط به خانواده فرزندپذیر

در این بخش به موارد انحلال فرزندخواندگی در ایران که درباره فرزندپذیران است، می‌پردازیم. با استناد به ماده ۲۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۱۳۹۲، دادستان یا سازمان در صورتی که ضرورت انحلال سرپرستی را تشخیص دهند و عدم اهلیت و شایستگی و سوءرفتار سرپرستان به موجب بندهای ماده ۶ این قانون احراز شود، می‌توانند تقاضای انحلال حکم سرپرستی باشند که رسیدگی به این موضوع با درخواست و تقاضای آنان آغاز می‌شود. عواملی که درباره خانواده فرزندپذیر است، به شرح ذیل است:

۱. زوال شرایط و صلاحیت‌ها: بند ۱ ماده ۲۵، زوال هر یک از شرایط مقرر در ماده ۶ این

قانون را ذکر کرده است که عبارت‌اند از:

الف - تقید به انجام واجبات و ترک محرمات

ب - عدم محکومیت جزایی مؤثر با رعایت موارد مقرر در قانون مجازات اسلامی

ج - تمکن مالی

د - عدم حجر

ه - سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عملی برای نگهداری و تربیت کودکان و

نوجوانان تحت سرپرستی

و - نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روان‌گردان و الکل

ز - صلاحیت اخلاقی

ح - عدم ابتلاء به بیماری‌های واگیر یا صعب‌العلاج

ط - اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در تصریح بند اخیر، کفر یا ارتداد هر یک از زوجین به دلیل قاعده نفی سبیل^۱ یکی از موارد

انحلال شناخته شده است. همان‌گونه که سوءرفتار کودک منجر به فسخ سرپرستی می‌شود،

فسخ در صورت سوءرفتار سرپرستان نیز از بند (ه) این ماده استنباط می‌شود.

از آنجاکه موارد مذکور از مصادیق مصلحت‌عالیه کودک است، فقدان هر یک از آنها به اختلال

در رفاه و تربیت کودک می‌انجامد و سرپرستان، دیگر صلاحیت نگهداری از فرزندخوانده را

۱. «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء، ۱۴۱).

ندارند و سرپرستی در این شرایط منحل می‌شود؛ چراکه فقدان هریک از شرایط مصرح، مصالح‌عالیهٔ فرزندخوانده را تهدید می‌کند و قانونگذار در این زمینه مصلحت فرزندخوانده را مدنظر قرار داده، و دربارهٔ آن بی‌توجه نبوده است؛ اما انحلال سرپرستی در صورت منتفی شدن بند (ج) مادهٔ ۶ که به تمکن‌مالی اشاره دارد، قابل‌نقد است؛ زیرا در خانواده‌های حقیقی نیز مشکلات اقتصادی وجود دارد و نباید به‌صرف فقدان تمکن مالی، خانوادهٔ حکمی را منحل کنیم.

زوال اهلیت، قدرت و استطاعت برای نگهداری از فرزند در ارتباط با والدین حقیقی صرفاً باعث سقوط حق حضانت است. در نتیجه با ذکر این مورد از هدف شبیه‌سازی به خانوادهٔ حقیقی فاصله گرفته‌ایم؛ بنابراین به‌جای آنکه سرپرستی منحل شود، بهتر است حق حضانت ساقط شود و دیگر آثار ناشی از سرپرستی به قوت خود باقی بماند و حمایت از فرزندخوانده قطع نشود؛ چراکه جابه‌جاشدن فرزندخوانده در خانواده‌های متعدد، خود باعث آثار سوء بر روان او می‌شود و کودک یا نوجوان یک‌بار بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی را از سر گذرانده است و تکرار این وضعیت مصالح او را به خطر می‌اندازد (شریعتی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۲۲۸-۲۳۵).

در این قسمت تعدادی از پرونده‌ها در زمینهٔ صلاحیت فرزندپذیران و ارتباط آن با مصلحت فرزندخوانده بررسی شده است. در زمینهٔ تأثیر حکم کیفری احراز رابطهٔ نامشروع زوجه بر سلب حضانت دختر، شعبهٔ ۲۸۱ دادگاه خانوادهٔ تهران دربارهٔ پروندهٔ کلاسه ۹۱۰۷۶۵ مورخ ۹۱/۸/۲۰ چنین حکم کرده است که رابطهٔ نامشروع زوجه مثبت عدم‌صلاحیت اخلاقی و اشتها به فساد اخلاقی او نیست و مصلحت فرزند دختر این چنین ایجاب می‌کند که با مادرش زندگی کند. در رأی دیگری به شماره دادنامهٔ ۹۳۰۰۰۵ مورخ ۹۳/۱/۲۳ صادره از شعبهٔ ۷ دادگاه خانوادهٔ شهریار احراز رابطهٔ نامشروع هریک از والدین که حضانت طفل با اوست، مثبت عدم‌صلاحیت اخلاقی وی است و موجب سلب حضانت می‌شود. تعارض در دو رأی مزبور بیانگر آن است که مصلحت فرزندان با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، نسبی است و مطلق نیست و به‌صورت کلی برای همهٔ موارد نمی‌توان به‌صورت یکسان حکم کرد و ملاک، مصلحت طفل است. اصل، سلب حضانت از سرپرستان دارای مسئله اخلاقی است؛ اما ممکن است مصلحت طفل این‌گونه اقتضا کند که با توجه به جمیع شرایط و وضعیت پدر و همچنین رابطهٔ مادر با فرزندش، زوجهٔ دارای مشکل اخلاقی، همچنان حاضن باشد. دست دادگاه نیز در تصمیم‌گیری و ارزیابی مصلحت طفل باز است.

در رأی دیگری درباره عدم تمکن مالی دادنامه شماره ۹۳۱۳۹۸ مورخ ۲۸/۸/۱۳۹۳ شعبه ۲۴۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران این گونه حکم می‌کند که برای حضانت و نگهداری طفل، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و نداشتن پشتوانه مالی، موجب قانونی برای سلب حق حضانت از وی نیست؛ زیرا در صورتی که دادگاه مصلحت بداند حضانت را به هریک از ابویین که صالح برای نگهداری است، واگذار می‌کند و نظر به اینکه دادگاه‌ها و مقامات اجرایی ملزم به رعایت مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات خود هستند و با توجه به سن طفل که شدیداً نیازمند عواطف مادرانه و مراقبت ویژه مادر از وی است، عدم تمکن مالی موجب سلب حضانت نیست. در رأی دیگری به شماره دادنامه ۹۲۰۱۱۶۸-۹۲/۱۰/۲۳-۹۲ شعبه ۲۵۰ دادگاه خانواده تهران اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر به وسیله زوج می‌تواند از باب مصلحت کودک عامل واگذاری حضانت او به زوجه شود. با وحدت ملاک میان حضانت و سرپرستی، درمی‌یابیم در نهاد سرپرستی نیز دادگاه با ارزیابی مصلحت هریک از فرزندخواندگان با توجه به شرایط مختص آن‌ها ابقا یا انحلال سرپرستی را حکم می‌کند.

۲. ازدواج سرپرست: با استناد به ماده ۲۶ قانون مزبور، در صورت صلاحدید دادگاه، ازدواج سرپرست ممکن است از موارد فسخ سرپرستی باشد؛ زیرا با ازدواج سرپرست این احتمال وجود دارد که وضعیت فرزندخوانده بهتر یا بدتر شود؛ به همین دلیل دادگاه شرایط را ارزیابی می‌کند و در صورتی که به مصالح عالی فرزندخوانده لطمه وارد شود، حکم به انحلال و در غیر این صورت حکم به ابقا سرپرستی می‌دهد.

در تجدیدنظرخواهی درباره دادنامه شماره ۵۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ازدواج پدر را دلیل عدم صلاحیت وی در خصوص حضانت فرزند پسر ۷ ساله نمی‌داند.

۳. فوت هر دو سرپرست یا یکی از آنان، یا طلاق آنان از یکدیگر: در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب سال، فوت هر دو سرپرست، از موارد انفساخ محسوب می‌شد؛ اما طبق قانون جدید، فوت سرپرستان در ابتدای امر از موارد انحلال نیست و چنانچه دادگاه صلاح بداند سرپرستی را به شخص ثالث واگذار و برای او قیم تعیین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۳۶۱) یا یکی از زوجین که در قید حیات است، در صورت استطاعت مالی و اخلاقی به سرپرستی ادامه می‌دهد.

ماده ۱۹ قانون مذکور نیز به تحت تکفل بودن فرزندخوانده پس از فوت سرپرست تصریح دارد که این خود مبین عدم انحلال سرپرستی است.

در طلاق زوجین سرپرست نیز طبق مقررات قانون حمایت خانواده اقدام می‌شود و این‌گونه نیست که بگوییم چون برای صدور حکم سرپرستی، توافق آنان شرط لازم است پس به جهت جدایی، سرپرستی نیز منحل می‌شود.

طبق ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی که پس از فوت والدین، حضانت و نگهداری از طفل برعهده جدپدری و پس از او برعهده وصی منصوب از جانب ولی قهری است، ممکن است فرزندخوانده را نیز به پدربزرگ حکمی او واگذار کنند. البته عده‌ای بر این باورند که رابطه سرپرستی صرفاً بین سرپرستان و شخص تحت سرپرستی جریان دارد و این رابطه به والدین سرپرستان سرایت نمی‌کند و آنان وظیفه و مسئولیتی در این باره ندارند (امامی، ۱۳۷۹، ص ۵۵). درهرصورت بهتر است دادگاه در این باره تصمیم‌گیری کند. در صورتی که هیچ‌یک از اشخاص مذکور در ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی نباشند یا در صورت وجود، فاقدصلاحیت باشند با استناد به بند ۱ این ماده، برای طفل، قیم تعیین می‌شود (جهانداری، ۱۳۹۶، ص ۱۶۰). برخی از حقوق‌دانان با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۲۲ ردیف ۸/۶۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۶۰/۴/۶ نصب قیم برای فرزندخوانده را رد کرده‌اند (امامی، ۱۳۷۹، ص ۵۶). بدین ترتیب در صورت فوت و طلاق والدین و عدم وجود ولی خاص، برای کودک قیم منصوب می‌کنند؛ اما درباره فرزندخوانده‌ای که ولی خاص ندارد^۱ یا سرپرستانش فوت کرده‌اند یا طلاق گرفته‌اند طبق این رأی قیم منصوب نمی‌کنند و سرپرستی منحل می‌شود. همچنین با استناد به ماده ۲۰ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۹۲ که درباره فوت و طلاق تعیین تکلیف کرده است، فوت و طلاق طبق نظر دادگاه می‌تواند از موارد انحلال سرپرستی باشد. چنان‌که طبق دادنامه شماره ۴۲۵-۱۸/۴/۱۳۸۳ شعبه ۱۹ دادگاه عمومی تهران، با توجه به اینکه حکم سرپرستی طفل با تقاضای مشترک زوجین صادر می‌شود، در صورت فوت زوج و احراز تعذر یا تعسر ادامه سرپرستی برای زوج، دادگاه حکم بر فسخ سرپرستی صادر می‌کند.

قانونگذار در خصوص فوت یا طلاق سرپرستان نیز با توجه به مصالح‌عالیه فرزندخوانده، ابقا یا انحلال سرپرستی را به تشخیص و صلاحدید دادگاه واگذار کرده است.

در مقایسه سرپرستی با رابطه زوجیت می‌توان گفت، همان‌طور که در رابطه زوجیت، فوت یکی از زوجین باعث انحلال عقد نکاح می‌شود، اما زوج همچنان از حقوق همسر متوفی

۱. پدربزرگ حکمی و وصی منصوب از جانب سرپرستان.

بهره‌مند می‌شود، در سرپرستی نیز فوت هر دو یا یکی از فرزندخواهان یا فرزندخوانده نیز می‌تواند از موارد انحلال سرپرستی باشد و درعین حال فرزندخوانده تا زمان تعیین سرپرست جدید از مزایای مستمری برخوردار باشد. درحقیقت در صورت وقوع فوت، سرپرستی به صورت خودکار منحل و موضوع سرپرستی نیز منتفی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۴۰۱؛ شریعتی نسب، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱). اما برای حمایت از کودک یا نوجوان تحت سرپرستی مزایای مستمری به آنان تعلق می‌گیرد و در حالتی که یکی از سرپرستان در قید حیات و واجد شرایط نگهداری از فرزندخوانده باشد، با نظر دادگاه، طفل به او سپرده می‌شود و در غیراین صورت سرپرست جدید تعیین می‌شود.

۴. تغییر تابعیت: با استناد به ماده ۳ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۱۳۹۲، صرفاً اتباع ایرانی مقیم ایران یا خارج از کشور می‌توانند متقاضی سرپرستی باشند. قانونگذار در فرض اینکه تابعیت این افراد تغییر یابد، سکوت کرده است. بنابراین چنان‌که از متن مواد مذکور و ماده ۱ قانون سابق استنباط می‌شود زوال این شرط نیز ممکن است از موارد انحلال به شمار آید؛ اما با توجه به مصالح کودک به نظر می‌رسد این مورد را نباید در دامنه موارد انحلال داخل کنیم و بهتر است که قوانین مربوط را تفسیر مضیق کنیم و تغییر تابعیت را در زمره موارد انحلال سرپرستی ننگجانیم، بلکه اختیار تصمیم‌گیری در این زمینه را به دادگاه بسپاریم تا بنابر مصلحت کودک، تصمیم‌گیری کند، چه بسا تغییر تابعیت سرپرستان به نفع فرزندخوانده باشد.

۳. موارد انحلال فرزندخواندگی در انگلستان

حکم فرزندخواندگی صادرشده به وسیله دادگاه در انگلستان معمولاً پس از مهلت تجدیدنظرخواهی برگشت‌ناپذیر است و تنها تعداد انگشت‌شماری از آن‌ها با بررسی پرونده‌ها در جهت مصلحت کودک منحل می‌شوند.^۱

پایان فرزندخواندگی در کشور انگلستان با تمرکز بر مصالح کودک، در دو زمان تصور می‌شود: پیش از استقرار قطعی کودک در خانه فرزندپذیر و پس از آن؛ بدین ترتیب اگر فرزندخواندگی موقت و آزمایشی باشد و پایان آن پیش از حکم قطعی و استقرار کودک باشد، «اختلال»^۲، و اگر با توجه به مصالح کودک، پس از حکم قطعی فرزندخواندگی و استقرار فرزندخوانده، حکم پایان این نهاد صادر شود، «انحلال»^۳ نام دارد که در هر دو مرحله، به ندرت

1. <https://transparencyproject.org.uk/can-an-adoption-order-be-undone/>

2. Disruption – Disorder

3. Dissolution- Break down- Revocation

و در موارد استثنائی اتفاق می‌افتد (امامی، ۱۳۹۲، ص ۴۶۹-۴۷۶؛ Macrae, 2004, p 6; Selwyn, Wijedasa, Meakings, 2014, p 16).

در نظام حقوقی انگلستان در صورت عدم ایفاء وظایف قانونی فرزندپذیران، امکان تعقیب قانونی، مسئولیت مدنی و قطع حقوق ناشی از فرزندخواندگی وجود دارد. علاوه بر مقررات عامی که ذکر شد، ضمانت اجرایی نیز به صورت خاص، برای عدم انجام مسئولیت‌های والدینی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

۱. **فسخ سرپرستی ویژه:** احکام سرپرستی ویژه یا همان فرزندخواندگی ناقص، برخلاف فرزندخواندگی رسمی و کامل، قابلیت انحلال دارد که این پایان، ممکن است به موجب تبدیل سرپرستی ویژه به فرزندخواندگی کامل یا به دلیل تهدید مصالح کودک باشد (امامی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۱؛ ارسطویی، ۱۳۹۹، ب، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ Rodgers, 2004, p 257).

۲. **انحلال فرزندخواندگی غیررسمی و آزمایشی (اختلال):** پس از تکمیل مرحله بررسی شرایط سرپرستان از طریق آژانس‌های فرزندخواندگی، تأیید صلاحیت آن‌ها، انتخاب کودک و احراز انطباق طرفین، کودک به فرزندخواهان واگذار می‌شود و برای صدور حکم قطعی فرزندخواندگی، کودک باید مدت حداقل ۱۰ هفته با فرزندخواهان زندگی کند. در این دوره که مشابه دوره آزمایشی ۶ ماهه سرپرستی در نظام حقوقی ایران است، دادگاه به تقاضای سرپرستان، با احراز شرایطی همچون سن فرزندخوانده یا رضایت والدین‌زیستی اقدام به صدور حکم قطعی فرزندخواندگی می‌کند. در صورتی که فرزندپذیران در این زمان، به مسئولیت‌های والدینی خویش در قبال فرزندخوانده عمل نکنند یا در پی دلایل مقام‌های رسمی محلی و مددکاران اجتماعی یا حتی تقاضای فرزندخواهان در صورت عدم رضایت والدین‌زیستی، دادگاه از صدور حکم قطعی فرزندخواندگی منصرف، و پروسه فرزندخواندگی مختل می‌شود و به انحلال آن می‌انجامد. پیرو انحلال فرزندخواندگی آزمایشی، کودک به آژانس‌های فرزندخواندگی مسترد می‌شود (ارسطویی، ۱۳۹۹، ب، ص ۱۳۶؛ Selwyn, Wijedasa, Meakings, 2014, p 16).

۳. **فسخ حکم فرزندخواندگی رسمی (انحلال):** از آنجایی که جایگاه فرزندخوانده در فرزندخواندگی کامل مثل فرزند حقیقی است و مطابق ماده ۶۷ قانون فرزندخواندگی و کودکان سال ۲۰۰۲ م، حکم فرزندخواندگی رسمی به رابطه کودک با والدین اصلی‌اش پایان می‌دهد، نمی‌توان خاتمه‌ای برای آن قائل بود. درحقیقت انحلال فرزندخواندگی رسمی به ندرت رخ می‌دهد و با توجه به اینکه مصلحت کودک ملاک اصلی تصمیمات است (Sloan, 2013, p 2)

و رابطه حقیقی والدین با فرزندان حقیقی نیز قابلیت انحلال دارد؛ بنابراین به طریق اولی فرزندان خواندگی که رابطه‌ای قانونی است نیز باید قابلیت خاتمه داشته باشد (همانلو، ۱۳۹۳، ص ۷۸).

محاکم انگلستان حتی در صورت تغییر شرایط و اوضاع والدین حقیقی یا نادرست بودن زمینه‌های اولیه که به صدور حکم فرزندان خواندگی انجامیده است، دستور فرزندان خواندگی را لغو نمی‌کنند؛ چراکه در صورت منحل شدن فرزندان خواندگی، کودک که مدتی را نزد سرپرستان بوده، و وابستگی ایجاد شده است، بازگشت ناگهانی او از لحاظ اجتماعی و روان‌شناسی، باعث خدشه به مصلحتش می‌شود و همچنین حکم فرزندان خواندگی به جهت اهمیت بسیار اجتماعی و جامعه‌شناسی قطعیت دارد (Gilmore, Glennon & Hayes & Williams, 2016, p 738;) (Herring, Probert & Gilmore 2015, p 151-152).

در نظام حقوقی انگلستان، مسئولیت والدین در حالات زیر پایان می‌یابد:

۱. رسیدن کودک به ۱۸ سال تمام.
 ۲. صدور حکم پایان‌دادن به مسئولیت‌های والدین به وسیله دادگاه.
 ۳. فرزندان خواندگی کودک از طریق اشخاصی دیگر.
 ۴. حکم مسئولیت والدینی که از طریق دادگاه صادر شده‌بود، منقضی یا باطل شود.
 ۵. فوت اشخاص دارای مسئولیت والدینی.
- بنابراین انحلال مسئولیت والدینی صرفاً از طریق حکم دادگاه به درخواست خود کودک یا سرپرستان وی، یا زمانی که کودک به سن ۱۸ سالگی برسد، انجام می‌شود (ارسطویی، ۱۳۹۹ ب، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ Jarrett, 2011, p 6, 17).
- فرزندان خواندگی کامل عموماً فسخ‌ناپذیر و بحث مصلحت عالی کودک مهم‌ترین معیار است. در حقیقت بررسی و ارزیابی علل فسخ و ارتباط آن‌ها با مصالح کودک در اختیار تام قضات و دادگاه‌ها است که در این زمینه اظهار نظر کنند^۱.
- در ادامه با مراجعه به متون حقوقی و قانون انگلستان، موارد انحلال فرزندان خواندگی مطالعه می‌شود. قابل توجه آن‌که به‌طور استثنائی و با توجه به ملاک اصلی مصالح کودک، قانون‌گذار اجازه پایان دادن به رابطه حاصل از فرزندان خواندگی را داده است. این موارد ممکن است در فرزندان خواندگی آزمایشی و قطعی مشترک باشند.

۳-۱. عوامل انحلال مربوط به فرزندخوانده

در این بخش به موارد انحلال فرزندخواندگی در انگلستان که مربوط به شخص تحت سرپرستی است، می‌پردازیم.

۱. **سوءرفتار فرزندخوانده:** سوءرفتار کودک که به صورت خشونت و رفتارهای دغدغه‌برانگیز بروز می‌یابد و ممکن است علاوه بر سلامت روحی و جسمی کودک، فرزندپذیران را نیز تحت تأثیر قرار دهد، یکی از عوامل تهدیدکننده مصلحت طفل شناخته شده است (Macrae, 2004, p 5-6). علاوه بر سوءرفتار و مشکلات رفتاری کودک، بیماری و مشکلات فیزیکی و نحوه نگهداری از او نیز به دلیل تأثیر بر مصالح‌عالیه کودک، می‌تواند از موارد انحلال فرزندخواندگی باشد. در پرونده‌ای در سال ۲۰۰۹ م، آقا و خانم وبستر به دلیل شواهد پزشکی درخواست تجدیدنظرخواهی و انحلال فرزندخواندگی سه فرزند خود را دادند؛ اما به دلیل فسخ‌ناپذیر بودن فرزندخواندگی در انگلستان و اولویت رعایت مصلحت کودکان در مقایسه با فرزندپذیران، این حکم لغو نشد.^۱

۲. **رضایت والدین حقیقی:** از آنجایی که رضایت والدین حقیقی در صورت وجود، برای تحقق فرزندخواندگی ضروری است، وجود آن‌ها از موارد انحلال محسوب نمی‌شود، مگر اینکه عدم رضایت آن‌ها احراز شود (Children Act, 1976, Act 47,52; Adoption Act, 2002, Article 16,52)؛ بنابراین مصالح‌عالیه کودک در این باره با ارزیابی شرایط و رضایت والدین، مورد توجه است (Sloan, 2013, p 21). در پرونده‌ای در ۱۹۹۱ م، به پدری اجازه داده شد تا درباره فرزندخواندگی فرزندانش به وسیله ناپدری و مادر، درخواست تجدیدنظر خارج از موعد کند؛ زیرا او بدون اینکه بداند همسر سابقش بیماری لاعلاج دارد، با درخواست همسرش برای فرزندخواندگی فرزندانشان موافقت کرده بود. پس از مرگ او، فرزندان به زندگی با پدر خود بازگشتند. دادگاه در اینجا تصمیم گرفت که رضایت او معتبر نبوده است و حکم قبلی لغو شد.^۲

۳. **درخواست فرزندخوانده:** مسئولیت والدینی، با رسیدن طفل به ۱۸ سالگی پایان می‌یابد؛ اما دیگر آثار باقی می‌ماند. در صورتی که کودک شرایط نامساعدی را با فرزندخواهان آزموده باشد، ممکن است در سنین نوجوانی یا بلوغ و پس از ۱۸ سالگی به رابطه ناشی از فرزندخواندگی پایان بخشد و خانواده حکمی‌اش را ترک کند (ارسطویی، ۱۳۹۹ ب، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ Gheera & Jarrett, 2011, p 6, 17).

1. <https://transparencyproject.org.uk/can-an-adoption-order-be-undone>

2. <https://transparencyproject.org.uk/can-an-adoption-order-be-undone/>

بدین ترتیب جهت رعایت مصالح عالیّه کودک، حق انحلال فرزندخواندگی برای فرزندخوانده وجود دارد که دادگاه به درخواست او در دوران نوجوانی یا ۱۸ سالگی حکم به انحلال فرزندخواندگی می‌دهد. در پرونده‌ای PK v K، دختری ۱۴ ساله می‌خواست فرزندخواندگی را لغو کند؛ زیرا بستگانی که او را در چهارسالگی به فرزندگی قبول کرده بودند، آزارش داده بودند؛ از این رو به زندگی با مادرش بازگشت. پذیرندگان در این رسیدگی‌ها شرکت نکردند. قاضی خاطر نشان کرد که همه بزرگسالان پرونده کاملاً مطلع بودند. دختر باخوشحالی نزد مادرش بازگشت؛ زیرا اگر کودک نزد فرزندپذیران باقی بماند پیامدهای زیان‌بار عاطفی برای او وجود خواهد داشت.

۲-۳. عوامل انحلال مربوط به خانواده فرزندپذیر

در این بخش به موارد انحلال فرزندخواندگی در انگلستان که مربوط به فرزندپذیران است می‌پردازیم.

۱. **زوال شرایط و صلاحیت‌ها:** یکی از عوامل انحلال مربوط به فرزندپذیران، شرایط آنان است؛ بدین ترتیب که در صورت زوال صلاحیت فرزندپذیران، بی‌اطلاعی از نوع رفتار با کودک، مطابقت نداشتن انتظارات والدین حکمی از فرزندخوانده، سوء رفتار و بی‌توجهی و عملکرد نامناسب آن‌ها، غیبت فرزندپذیران، ناتوانی و بیماری آنان، درآمد ناکافی، تبعیض قومی و نژادی و بی‌عدالتی و ظلم به کودک، بی‌توجهی به غم‌واندوه و نیازهای او، سوءاستفاده جنسی از کودک، یکسان‌بودن شرایط فرزندخواهان و والدین حقیقی و عوامل دیگر فرزندخواندگی منحل می‌شود.^۱ عوامل یادشده در ارتباط مستقیم با مصالح عالیّه کودک است و به والدین حقیقی فرزندخوانده اجازه درخواست انحلال فرزندخواندگی می‌دهد (Sloan, 2014, p 15)؛ بنابراین در مواردی چون جنون که باعث می‌شود سرپرست از انجام مسئولیت‌های والدینی خویش بازماند و در ادامه مصلحت جسمی و روحی کودک را در معرض خطر قرار می‌دهد، منجر به سلب سرپرستی و انحلال فرزندخواندگی از وی می‌شود (صدری، ارشدی، بادینی، و عباسی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). موارد پیش‌گفته قابلیت اجرا در نظام حقوقی ایران را دارد چراکه با شرع و موازین فقهی در تعارض نیست. در نظام حقوقی ایران سوءاستفاده جنسی از فرزندخوانده به وسیله سرپرستان، جزء موارد انحلال

1. Child Welfare Information Gateway، 2012، 'Adoption Disruption and Dissolution: 3-5

فرزندخواندگی ذکر نشده است و بنابر صلاحدید دادگاه، اجازه ازدواج نیز صادر می‌شود. نسبی بودن ممنوعیت ازدواج با فرزندخوانده قابل نقد است؛ چراکه ممکن است منجر به سوءاستفاده جنسی از او شود که مصالح کودک را تضییع می‌کند و همچنین ازدواج با شخصی که در حکم فرزند است، با نظم عمومی جامعه و اخلاق حسنه در تعارض است؛ بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن مصالح عالیۀ کودک به عنوان اصل کلی انحلال فرزندخواندگی، سوءاستفاده جنسی را نیز در موارد انحلال فرزندخواندگی قرار داد. این در حالی است که در نظام حقوقی انگلستان علاوه بر سوءاستفاده جنسی، ازدواج با فرزندخوانده را نیز به صورت مطلق جزء ازدواج‌های ممنوعه می‌داند (Wadlington, 1963, p 488).

۲. ازدواج فرزندپذیر: ازدواج فرزندپذیر به صورت رسمی و غیررسمی یا به صورت شریک مدنی در نظام حقوقی انگلستان به رسمیت شناخته شده است و شریک و همسر نیز پدرخوانده یا مادرخوانده طفل محسوب می‌شود و به موجب قانون، در قبال او دارای مسئولیت والدینی است (بند ۲ ماده ۵۱ و ۵۵ قانون فرزندخواندگی و کودکان سال ۲۰۰۲ م)؛ بدین ترتیب صلاحیت همسر جدید یا شریک مدنی فرزندپذیر به عنوان پدرخوانده یا مادرخوانده بررسی می‌شود و چنانچه صلاحیت آن‌ها برای حفظ مصالح عالیۀ فرزندخوانده محرز شود، مسئولیت والدینی به آنان واگذار می‌شود؛ زیرا مصلحت عالیۀ کودک تعیین می‌کند فرزندخواندگی منحل شود یا ادامه یابد. صلاحیت همسر جدید فرزندپذیر همچون نظام حقوقی ایران ارزیابی می‌شود و در صورت احراز شرایط، سرپرستی به او واگذار می‌شود. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، قانون، مصلحت کودک را در روابط نامشروع سرپرست نمی‌داند و چه بسا روابط نامشروع و خارج از چهارچوب نکاح از موارد عدم صلاحیت سرپرستان و انحلال سرپرستی است.

۳. فوت فرزندپذیران یا یکی از آن‌ها: در صورت فوت والدین حکمی، فرزندخواندگی پایان نمی‌یابد؛ بلکه روابط فرزندخوانده همچون فرزند حقیقی با اقربا و والدین پدرخوانده و مادرخوانده تداوم می‌یابد و همانند او از نعمت والدین حقیقی محروم می‌شود؛ ولی پس از فوت پذیرفتگان، منعی برای پذیرش مجدد او وجود ندارد. در این صورت همان‌طور که پذیرش اولیه، منجر به قطع رابطه او با والدین اصلی شد، با

پذیرش دوم، رابطه او با پذیرندگان نخستین نیز قطع خواهد شد؛ زیرا ممکن است فرزندخواندگی مجدد مصالح کودک را بیشتر تأمین کند. با فوت فرزندپذیران یا یکی از آنها، صرفاً مسئولیت والدینی آنها پایان می‌یابد و دیگر آثار ناشی از فرزندخواندگی پابرجا می‌ماند. در مقایسه دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در بحث فوت و طلاق پذیرفتگان، باید گفت هر دو نظام عملکردی یکسان دارند و در ابتدای امر، فوت و طلاق از موارد انحلال محسوب نمی‌شود؛ اما در ادامه و با توجه به مصالح کودک، قابلیت سپردن طفل به اشخاص دیگر و پایان رابطه قبلی وجود دارد (ارسطویی، ۱۳۹۹ ب، ص ۱۳۸-۱۳۹).

۴. **تغییر تابعیت فرزندخواهان:** از آنجایی که فرزندخواندگی بین‌المللی در این نظام حقوقی به رسمیت شناخته شده است و در مواردی نیز به مرحله اجرا درمی‌آید، بنابراین تابعیت فرزندخواهان مدنظر قانونگذار و تغییر آن از موارد انحلال نیست و شرط اصلی، اقامت آنان در این کشور است (۴۹ Children And Adoption Article 2002 Act). با توجه به اینکه تغییر تابعیت تأثیری در انحلال فرزندخواندگی ندارد و ممکن است فرزندخواندگی بین‌المللی مصالح عالی فرزندخوانده را بهتر تأمین کند، برای انحلال فرزندخواندگی در صورت تغییر اقامت نیز باید مصلحت فرزندخوانده را مدنظر داد. فرزندخواهانی که از اقوام کودک هستند، در صورت واجد صلاحیت بودن، در مقایسه با فرزندخواهان غریبه در اولویت قرار دارند.

در سال ۱۹۹۷ م، کودک یتیمی اهل بوسنی در انگلستان به وسیله سرپرستان به فرزندی پذیرفته شد؛ اما او هنوز اقوام نزدیکی داشت که زنده بودند و می‌خواستند از او مراقبت کنند. پس رسیدگی در اینجا ناقص تشخیص داده شد؛ زیرا قاضی هیچ اقدامی برای ردیابی خانواده در بوسنی انجام نداده بود. حکم فرزندخواندگی به دلیل نقض عدالت طبیعی لغو شد؛ زیرا به طرفی که باید استماع می‌شد، اطلاع داده نشده بود. ۱. در نظام حقوقی ایران نیز با توجه به مصالح کودک، تصمیم‌گیری درباره تغییر تابعیت را باید به دادگاه محول کنند؛ چه بسا تغییر تابعیت سرپرستان به نفع فرزندخوانده باشد.

۵. **سایر عوامل:** عوامل دیگری همچون سن بالای کودک، نیازهای عاطفی و

دل‌بستگی شدید و مشکل سلامت روان کودک، بیماری، مشکلات رفتاری همچون اختلال دوقطبی و آسیب جسمی و روانی به دیگران، مشکلات شناختی و فیزیکی، استرس شدید، بدرفتاری و خشونت خانگی در خانواده بیولوژیکی، استقرارها و فرزندخواندگی‌های مختل‌شده سابق، ندادن اطلاعات کافی درباره کودک و گذشته‌اش و ارزیابی نادرست مشکلات کودک و دادن تاریخچه اشتباه از او به‌وسیله آژانس‌های فرزندخواندگی، معلولیت و ناتوانی‌های جسمی و یادگیری کودک، تعداد کودکان پذیرفته‌شده یک خانواده، مصرف موادمخدر و الکل مادران در دوران بارداری و مشکلات ناشی از آن برای کودکان، طولانی‌شدن زمان بین استقرار و صدور حکم فرزندخواندگی، عدم حمایت بستگان و سازمان‌های مربوط از خانواده‌های فرزندپذیر، حس رقابت و حسادت به خواهر و برادر، جنسیت فرزندخوانده، فرزندپذیران غریبه، سوءاستفاده جنسی از کودک، مسائل نژادی، عدم آمادگی و آموزش و پشتیبانی والدین پذیرنده و ... می‌توانند خطر اختلال و انحلال را افزایش دهند. تمام این موارد بیانگر رعایت مصلحت‌عالیه کودک است.

طبق ماده ۱۰ بخش ۱۷ قانون کودکان ۱۹۸۹ م، مضاف بر اینکه مقامات محلی وظیفه‌ای عمومی برای حفاظت از کودکان فرزندخوانده و تأمین مصالح آن‌ها دارند، باید بر تربیت آن‌ها از طریق فرزندپذیران‌شان نظارت کنند؛ بنابراین طبق ماده ۲۰ این قانون، این مقامات در صورت نیاز باید همکاری‌های لازم جهت حفظ مصالح کودکان را انجام دهند. یکی از همکاری‌های لازم در این جهت، آن است که موافقت‌نامه‌ای میان مقامات محلی و فرزندپذیران انجام می‌گیرد و در عین حال امکان فسخ آن به‌وسیله فرزندپذیران وجود دارد که باید بلافاصله پس از فسخ، کودک به خانواده‌اش بازگردانده شود. البته پیش از فسخ این موافقت‌نامه، مساعدت‌های لازم جهت ابقاء آن به کار گرفته خواهد شد و فسخ در مرحله آخر برای خانواده‌هایی است که با مشکلات جدی روبه‌رو شده‌اند (بشیرتاش، افتخار جهرمی و صفائی، ۱۳۹۹، ص ۳۹). برخی خانواده‌ها اغلب به دلیل سرنگونی عاطفی کودکی که نمی‌دانند چگونه او را حمایت کنند، در فرزندخواندگی شکست می‌خورند و از هم می‌پاشند. زمانی که کودک نیازهای عاطفی شدیدی دارد، در مقایسه با زمانی که دارای مشکلات شناختی یا فیزیکی است، تعداد بیشتری از فرزندخواندگی‌ها شکست می‌خورند (Macrae, 2004, p 5).

هنگامی که انتظارات والدین از کودک با واقعیت مطابقت نداشته باشند، تعداد بیشتری از فرزندخواندگی‌ها مختل می‌شوند. در مقایسه با مقابله با کودکانی که دارای سایر مشکلات رفتاری شدید (مانند اختلال دوقطبی) هستند و کودکانی که از مشکلات ناشی از بیماری رنج می‌برند، خانواده‌ها نمی‌توانند و نمی‌دانند چگونه با کودکان دارای مشکلات دل‌بستگی شدید کنار بیایند. درحقیقت آن‌ها انتظار چنین مسئله‌ای را نداشته‌اند و به آن‌ها آموزش داده نشده است که چگونه برخورد کنند. برخی از خانواده‌ها برای حفظ خود از آسیب، اقدام به حذف فرزندخوانده از خانه و خانواده خود می‌کنند. والدین و دیگر خواهران و برادران، چه بیولوژیکی و چه فرزندخوانده، ممکن است در معرض خطر کودک مزاحم قرار گیرند. قصد آسیب و صدمات متعاقب آن، هم جسمی و هم روانی می‌تواند بسیار زیاد باشد؛ بنابراین آخرین راه‌حل، ممکن است انحلال باشد. بدین ترتیب کودک ناسازگار، از خانواده خارج می‌شود و به وسیله فرزندپذیران، ایالت یا آژانس^۱، در جای دیگری قرار می‌گیرد؛ اما به گفته کارشناسان، به هیچ وجه، کودک یا والدین نمی‌توانند طوری ادامه دهند که گویی فرزندخواندگی هرگز اتفاق نیفتاده است به هر حال جای زخم‌ها تا ابد باقی است، حتی اگر با مشاوره کاهش یابد، آثار مخرب آن همچنان خواهد بود (Macrae, 2004, p 5-6).

امور دینی و مذهبی، عدم محکومیت جزایی، نداشتن اعتیاد به موادمخدر و روان‌گردان و الکل و صلاحیت اخلاقی در نظام حقوقی ایران تصریح شده است؛ اما در انگلستان همه این موارد تحت عنوان «مصلحت طفل» بررسی می‌شود. در پرونده‌ای در ۱۹۹۵ م، مرد یهودی ۳۵ ساله‌ای متوجه شد که پدرش مسلمان است، اگرچه او به فرزندخواندگی پذیرفته شده، و همچون فردی یهودی بزرگ شده است. او زمانی که می‌خواست در اسرائیل مستقر شود با سوءظن روبه‌رو شد و درخواست کرد تا فرزندخواندگی خود را کنار بگذارد. دادگاه استیناف موافقت نکرد و گفت دادگاه در صورت عدم وجود هرگونه بی‌نظمی یا اشتباه رویه‌ای، هیچ اختیاری برای انجام این کار ندارد.^۲ به‌طورکلی هر عاملی که مصالح کودک را تحت‌الشعاع قرار دهد، منجر به پایان رابطه پذیرفتگان با کودک می‌شود. از آنجایی که عرف و رویه قضایی دادگاه‌ها

۱. آژانس‌های فرزندخواندگی در انگلستان سازمانی همچون سازمان بهزیستی در ایران هستند که وظیفه آن‌ها انجام امور فرزندخواندگی و کمک به کودکان و بزرگسالان فرزندخوانده همچون مشاوره و اطلاع از جزئیات فرزندخواندگی و یافتن بستگان مادری آن‌ها است (www.gov.uk/ofsted).

2. <https://transparencyproject.org.uk/can-an-adoption-order-be-undone>
www.transparencyproject.org.uk

تعیین‌کننده مصادیق آسیب به مصلحت کودک هستند و موارد قطع رابطه فرزندخواندگی در قوانین احصاء نشده است، معیار اختلال و انحلال به صورت قاعده‌ای کلی، تضييع مصالح کودک است؛ زیرا مصلحت کودک در درجه نخست اهمیت قرار دارد و دادگاه هنگام صدور حکم باید این عنصر را در ملاحظات اساسی قرار دهد (Gheera, Jarrett, 2011, p.4&5).

یافته‌های پژوهش

نهاد حمایتی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان یکسان نیست و در مرحله انحلال فرزندخواندگی نیز میان آن‌ها، از جهاتی افتراق وجود دارد. انحلال سرپرستی و موارد آن در نظام حقوقی ایران احصاء شده است؛ اما با توجه به اینکه متن قانون نیز به مصالح عالیۀ کودک توجه دارد، بهتر است به جای احصاء موارد انحلال، رویکرد تمثیلی داشته باشد و عنصر مصلحت عالیۀ کودک را بیشتر دخیل کند؛ چنان‌که در دیگر قوانین کودکان، از جمله قانون حمایت خانواده و بحث حضانت، به این موضوع توجه شده است. در مقابل فرزندخواندگی در نظام حقوقی انگلستان فسخ‌ناپذیر است. البته عدم قابلیت فسخ، مطلق نیست و در موارد استثنائی این مسئله روی می‌دهد؛ زیرا همان‌گونه که خانواده بیولوژیکی گاهی دچار گسست می‌شود، به طریق اولی درباره فرزندخواندگی نیز این اتفاق می‌افتد. بنابراین خانواده‌ای که به حکم دادگاه تشکیل شده است، قابلیت انحلال خواهد داشت. موارد انحلال فرزندخواندگی در حقوق انگلستان احصاء نشده است و رویۀ قضایی و مصالح کودک می‌تواند دامنه موارد انحلال را کاهش یا افزایش دهد. پیشنهاد می‌شود موارد انحلال سرپرستی در ایران محدود به موارد تصریح شده در قانون نباشد، بلکه با توجه به مصالح عالیۀ فرزندخوانده، درباره ابقا یا انحلال سرپرستی تصمیم‌گیری شود.

منابع

قرآن کریم

- احمدوند، خلیل‌اله؛ آزادمنش، لیلیا (۱۴۰۲). «بررسی حقوق مالی زن و مرد در پرتو فقه پویا». فقه و حقوق خانواده، ۲۸(۷۹)، ص ۲۹۵-۳۲۷.
- آذری، هاجر؛ میراحمدی، منیره (۱۳۹۸). «رویکردهای قضائی به تشخیص مصلحت در ازدواج کودکان». فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۱۰(۴۰)، ص ۱-۲۸.
- ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «تعهدات زوجین سرپرست نسبت به فرزندخوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان». فصلنامه حقوق کودک، ۲(۸)، ص ۱۱۱-۱۴۵.
- ارسطویی، مرجان (۱۳۹۹). «ماهیت، آثار و شرایط فرزندخواندگی در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی در مبانی اسلامی و حقوق انگلستان». فصلنامه حقوق کودک، ۲(۶)، ص ۱۰۹-۱۴۳.

- افشارقوچانی، زهره (۱۴۰۰). «مسئله توارث در فرزندخواندگی در حقوق انگلیس و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، ۴(۱۰)، ص ۳۷-۷.
- امامی، اسدالله (۱۳۷۹). «فرزندخواندگی در حقوق فعلی ایران». پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۳(۳)، ص ۳۸-۵۹.
- امامی، اسدالله (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت. تهران: نشر میزان.
- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۱۳۹۴.
- بشیرتاش، شیرین؛ افتخارچهرمی، گودرز؛ صفایی، سیدحسین (۱۳۹۹). «فرزندخواندگی در پرتو قوانین داخلی و رویه قضائی محاکم انگلستان». فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۳۳(۳)، ص ۴۳-۵۲.
- بهرامی، ستار (۱۳۹۷). ارزیابی نهاد فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلیس، تهران، انتشارات ویهان
- پارساپور، محمدباقر؛ نوربخش، سوسن (۱۳۹۴). «معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲(۳)، ص ۱-۲۸.
- پیرحیاتی، معصومه؛ روشن، محمد (۱۴۰۱). «بررسی ادله اجتهادی اصل مصلحت در حضانت کودک بر مبنای فقه امامیه و حقوق ایران». فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۹(۷۳)، ص ۱۶۷-۱۸۷.
- جهانداری، نگین (۱۳۹۶). ماهیت و آثار حقوقی ضمانت از تعهدات زوجین سرپرست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.
- حسینی‌خواه، سیدجواد (۱۳۹۰). «راهکارهای تقریب دیدگاه فقه امامیه و نظام بین‌الملل حقوق بشر در مسأله تنبیه بدنی کودکان». مجله حقوق بشر، ۶(۲)، ص ۱-۱۸.
- رأی وحدت رویه شماره ۲۲۲۲۲۲/۸/۶۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۶۰/۴/۶.
- رستمی‌نجف‌آبادی، حامد (۱۴۰۱). «واکاوی مفهوم مصلحت و کاربرد آن در مجازاتهای شرعی با نگاهی به قانون مجازات اسلامی». مطالعات فقه و حقوق اسلامی ۱۴(۲۸)، ص ۷۵-۱۰۲.
- زرگوش‌نسب، عبدالجبار؛ و باقری، پرویز (۱۳۹۸). «واکاوی فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، انگلستان و آمریکا». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۶(۱)، ص ۵۷-۸۶.
- سایت سامانه ملی آرا قضایی <https://ara.jri.ac.ir>
- سعیدی، علیرضا (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و انگلستان با توجه به قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۰. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران.
- سلطان‌نیا، آفاق (۱۳۹۵). فرزندخواندگی در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران، ایران.
- شریعتی‌نسب، صادق؛ صادقی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی انفاق در فرزندخواندگی در حقوق ایران و فرانسه». دوفصلنامه حقوق تطبیقی، ۲۳(۲)، ص ۱۳۹-۱۶۰.
- شریعتی‌نسب، صادق (۱۳۹۰). فرزندخواندگی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- صاحب‌جوهر، محمدحسن بن باقر (۱۳۷۰). جواهرالکلام. تهران: نشر کتابفروشی اسلامی، چاپ چهارم.

- صدری، سیدمحمد؛ ارشدی، محمدیار؛ بادینی، حسن؛ عباسی، ثمین (۱۳۹۳). «حضانة طفل در فقه و حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق انگلستان». دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، ۳(۱)، ص ۳۵-۴۷.
- صفائی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۵). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
- عابدینی، عبدالله؛ مشکباف، مهدی (۱۴۰۰). «جایگاه مصلحت در کنوانسیون حقوق کودک و قوانین خانواده ایران». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۸(۴)، ص ۱۸۳-۲۱۲.
- قانون جدید حمایت خانواده ۱۳۹۱
- قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب سال ۵۳
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۹۲
- قانون مدنی مصوب (۱۳۰۷)، انتشارات هزاررنگ
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). دوره حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد
- مقدادی، محمد مهدی (۱۳۹۰). «جایگاه و تأثیر مصلحت در سرپرستی کودک از دیدگاه فقه و حقوق». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۴(۵۴)، ۱۷۵-۲۱۰.
- میثمی، فاطمه؛ آقاجانی رونقی، آیدا؛ شهبازی، آرامش (۱۳۹۹). «بهترین منفعت کودک در حقوق بین الملل بشر و حقوق ایران: تأملی در رویه و نظریه». فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲۴(۲)، ص ۱۳۹-۱۶۲.
- نوراحمدی، انسبه؛ رضوانی مفرد، احمد (۱۴۰۱). «گستره و مبانی حق آموزش کودکان دارای معلولیت در فقه، حقوق و اسناد بین المللی». فقه و حقوق خانواده، ۲۷(۷۷)، ص ۱۶۱-۱۹۴.
- هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۴). «مفهوم شناسی «مصلحت» و جایگاه آن در حقوق خانواده». نشریه حکومت اسلامی، ۲۰(۱)، ص ۱۲۷-۱۵۴.
- همانلو، لیلا (۱۳۹۳). احکام و آثار فرزندخواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلستان. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
- یزدی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۷۵). ترجمه شرایع. جلد ۲، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ دوم.

(2023) <https://www.carlsonssolicitors.com/news-child-arrangements-in-the-uk-understanding->

Adoption Act 1976

Child Welfare Information Gateway (۲۰۱۲). Adoption Disruption And Dissolution

Children Act 1989

Children And Adoption Act 2002

Evans, Alvin E, Testamentary Revocation by Adoption of a Child, (1934).

Gheera M, & Jarrett T (2011) (۲۰۱۱). Parental responsibility. House of Commons Library

Gilmore, Stephen, & Lisa Glennon, Hayes and Williams' (۲۰۱۶). Family Law, Oxford University Press, Oxford;

Herring, Jonathan, Rebecca Probert, & Stephen Gilmore, (۲۰۱۵) Great Debates in Family Law, Macmillan International Higher Education, London

- Howell D. (2014). The Adoption and Children Act 2002: An Overview. Available at: <http://www.courtroomadvice.co.uk/>.
- https://home-affairs.ec.europa.eu/networks/european-migration-network-emn/emn-asylum-and-migration-glossary/glossary/best-interests-child-bic_en
- <https://ico.org.uk/for-organisations/childrens-code-hub/how-to-use-our-guidance-for-standard-one-best-interests-of-the-child/children-s-code-best-interests-framework/>
- <https://transparencyproject.org.uk/can-an-adoption-order-be-undone>
- <https://uk.practicallaw.thomsonreuters.com>
- <https://www.humanium.org/en/the-principle-of-the-best-interest-of-the-child/>
- Introduction to adoption support agencies July (2015), No. 090259, www.gov.uk/ofsted
- Julie D. (۲۰۱۶). Can an adoption order be undone?. Available at: <http://www.transparencyproject.org.uk>
- Macrae, Sheena (۲۰۰۴). Disruption & Dissolution: Unspoken Losses
- Rodgers, M.E, (2004). Understanding Family Law, London, Cavendish Publishing Ltd.
- Selwyn, Julie Wijedasa, Dinithi, & Meakings, Sarah (۲۰۱۴). Beyond The Adoption Order: Challenges, Interventions And Adoption Disruption
- Sloan B. (۲۰۱۴). Post-adoption contact reform: compounding the State-ordered termination of parenthood? The Cambridge Law Journal. 73(2): 378-404.
- Wadlington, Walter J, (1963). "The Adopted Child and Intra-Family Marriage Prohibition", Virginia Law Review, Vol. 49, No. 3, pp. 478-491. <https://www.jstor.org/stable/1071116>
- Written by Alexander Weihrauch, (2021)
- Www.Unic-Ir.Org/Hr/Convenantion-Child.Htm